



Content Analysis of Selected Children's and Adolescent Stories with the Approach of "Applying Frequently Used Persian Verbs and Tenses" in Teaching Persian Language

f. Mohseni Hanjani ^{*, ۱}

*Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, South Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran*

ABSTRACT

Background and Objectives: The significance of children's literature in language acquisition is universally acknowledged. Stories serve as a rich linguistic input, exposing learners to vocabulary, grammatical structures, and cultural nuances in a contextualized manner. Among grammatical elements, verbs are the cornerstone of sentence construction, carrying the core meaning of actions, states, and events. The mastery of frequently used verbs and their tenses is crucial for developing fluency and narrative competence in a language. In the context of teaching Persian to speakers of other languages or even to native children, a systematic analysis of the linguistic content of educational materials is essential. This study posits that a deliberate focus on the verbs and tenses most commonly employed in high-quality children's literature can inform and optimize pedagogical practices. The primary objective of this research is to identify, categorize, and analyze the most frequently used verbs and their tenses in a selection of acclaimed Persian stories for children and adolescents. The ultimate goal is to provide a data-driven foundation for developing more effective language teaching resources and methodologies that align with authentic language use. **Methods:** This study employed a quantitative content analysis approach. The research population consisted of prominent award-winning and critically acclaimed Persian storybooks for the ۶-۱۲ age group published between ۵۵۵۵ and ۳۳۳۳. A purposive sample of ۱۰ storybooks from authors such as Houshang Moradi Kermani, Farhad Hassanzadeh, and Afsaneh Shabannezhad was selected. The entire text of each story constituted the research material. The data collection instrument was a researcher-designed checklist for verb extraction, categorizing verbs based on their lemma (masdar) and recording their frequency and tense (past, present, present subjunctive, imperative, etc.). The procedure involved multiple readings of each text, extracting every verb, lemmatizing them to their dictionary form, and tallying their frequency and tense usage. Data analysis was performed using descriptive statistics (frequency, percentage, mean) with SPSS software (Version ۱۶) to identify the most frequent verbs and the distribution of tenses across the corpus. **Findings:** Analysis of over ۱۰ ۰۰۰ words of text revealed a core set of high-frequency verbs. The most frequent verbs identified were: "بید" (to be), "دارن" (to have), "کرن" (to do), "گفتن" (to say), "شدن" (to become), "رفتن" (to go), "آمن" (to come), "خورن" (to eat), "دیدن" (to see), and "دانستن" (to know). Regarding tense usage, the simple past tense was overwhelmingly dominant,

Keywords:

Content Analysis,
Persian Language
Teaching,
Children's Literature,
Verb Frequency,
Grammatical Tenses,
Persian Linguistics.

^۱ .Corresponding
author

 f_mohseni@azad.ac.ir

constituting approximately % of all verb occurrences, which aligns with the narrative nature of the texts. The present tense accounted for about %, primarily used in dialogues and descriptive passages. The imperative and subjunctive moods, while less frequent, were present and significant for understanding modal uses. Statistical analysis (Chi-square test) confirmed a significant relationship ($p < .01$) between the genre of the story (e.g., adventure, everyday life) and the frequency of certain verb types. **Conclusion:** The findings confirm that a distinct set of verbs forms the functional core of the Persian language as used in children's literature. The extreme prevalence of the simple past tense highlights its fundamental role in storytelling. These results have direct pedagogical implications. Syllabus designers and material developers for teaching Persian should prioritize this high-frequency verb lexicon and ensure systematic and contextualized instruction of the simple past tense from the early stages of learning. It is recommended that language exercises and graded readers be developed based on such corpus-derived data to enhance vocabulary acquisition and grammatical accuracy. A limitation of this study was the focus on written texts, which may not fully capture the verb usage in spontaneous spoken Persian. Future research could analyze audio-visual media for children or conduct longitudinal studies on the acquisition of these verbs by learners.

DOI: [10.48310/rpllp.2020.21406.1289](https://doi.org/10.48310/rpllp.2020.21406.1289)

Received: 1404/08/14 Reviewed: 1404/08/30 Accepted: 1404/09/30 PP: 16

Citation (APA): *Mohseni Hanjani*, F., (2025). **Content Analysis of Selected Children's and Adolescent Stories with the Approach of "Applying Frequently Used Persian Verbs and Tenses" in Teaching Persian Language**. *The Journal of research in Persian language and literature education*, ۴(۴), ۳۰-۴۵. doi:
<https://doi.org/10.48310/rpllp.2020.21406.1289>



تحلیل محتوای داستان‌های برگزیده کودک و نوجوان با رویکرد «کاربست افعال و زمان‌های فعلی پرکاربرد فارسی» در آموزش زبان فارسی

فریده محسنی هنجانی^۱*

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

پیشینه و اهداف: ادبیات کودک به عنوان منبعی غنی از درون‌داد زبانی، نقش حیاتی در آموزش زبان ایفا می‌کند. داستان‌ها یادگیرنده را در معرض ساختارهای دستوری و واژگانی در بافتی معنادار قرار می‌دهند. از میان عناصر زبانی، افعال به عنوان ستون فقرات جمله، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال معنا دارند. این پژوهش با هدف شناسایی، دسته‌بندی و تحلیل افعال و زمان‌های پرکاربرد فارسی در داستان‌های کودک و نوجوان انجام شد. **روش‌ها:** پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل محتوای کمی بر روی ۲۰ کتاب داستان برگزیده گروه سنی ۶-۱۲ سال منتشر شده در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ انجام شد. نمونه‌ها به روش هدفمند انتخاب و داده‌ها با چک‌لیست محقق‌ساخته استخراج شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام گرفت. **یافته‌ها:** تحلیل پیکره ۶۰,۰۰۰ کلمه‌ای نشان داد که ده فعل پرکاربرد شامل «بودن»، «داشتن»، «کردن»، «گفتن»، «شدن»، «رفتن»، «آمدن»، «خوردن»، «دیدن» و «دانستن» بیش از نیمی از افعال را تشکیل می‌دهند. زمان ماضی ساده با سهم ۶۵٪ غالب‌ترین زمان بود. رابطه معناداری بین ژانر داستان و نوع افعال به کار رفته مشاهده شد. همچنین افعال مرکب مبتنی بر این افعال هسته‌ای، سهم قابل توجهی در پیکره زبانی داشتند. **نتیجه‌گیری:** یافته‌ها نشان می‌دهد که تمرکز بر آموزش این افعال و زمان‌های پرکاربرد می‌تواند به بهینه‌سازی فرآیند آموزش زبان فارسی بینجامد. استفاده از این یافته‌ها در تولید مواد آموزشی و برنامه‌ریزی درسی توصیه می‌شود. این رویکرد می‌تواند به توسعه مهارت‌های زبانی کودکان و نوجوانان در درک و تولید جملات معنادار کمک شایانی نماید.

DOI:

۱۰.۴۸۳۱۰/rpllp.۲۰۲۵.۲۱۴۰۶.۱۲۸۹

واژه‌های کلیدی:

تحلیل محتوا،
آموزش زبان فارسی،
ادبیات کودک،
فراوانی فعل،
زمان‌های دستوری،
زبان‌شناسی فارسی
۱. نویسنده مسئول

f_mohseni@azad.ac.ir

مقدمه

زبان به عنوان پیچیده‌ترین و در عین حال طبیعی‌ترین ابزار ارتباطی انسان، نقشی تعیین‌کننده در فرآیندهای شناختی^۱ و اجتماعی^۲ ایفا می‌کند (صفوی و میرعمادی، ۱۳۹۹). در این میان، ادبیات کودک با ارائه غنی‌ترین منابع درون‌داد زبانی، امکان مواجهه طبیعی با ساختارها، واژگان و الگوهای زبانی را در بافتی معنادار فراهم می‌آورد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). داستان‌ها نه تنها دروازه‌ای به دنیای تخیل می‌گشایند، بلکه کودکان را با کاربرد واقعی زبان در موقعیت‌های مختلف آشنا می‌سازند. از طریق داستان‌ها، کودکان می‌آموزند که چگونه افکار و احساسات خود را بیان کنند، با دیگران ارتباط برقرار نمایند و جهان پیرامون خود را درک کنند (احمدی و رضوی، ۱۳۹۸). این فرآیند یادگیری زمانی بهینه می‌شود که محتوای زبانی ارائه شده در داستان‌ها با نیازهای واقعی زبان‌آموزان و اصول علمی آموزش زبان همسو باشد (Nishiguchi, ۲۰۱۹).

در میان اجزای کلام، افعال از جایگاهی بی‌بدیل برخوردارند، چرا که آن‌ها اساس ساخت جمله بوده و نقشی محوری در انتقال معنا دارند (خانلری، ۱۳۶۶). افعال نه تنها کنش‌ها و رویدادها را بیان می‌کنند، بلکه زمان، وجهیت و وجه جمله را نیز مشخص می‌سازند. تسلط بر افعال پر کاربرد و زمان‌های آن‌ها، پیش‌نیازی ضروری برای توسعه مهارت‌های زبانی به شمار می‌رود (محمودی، ۱۳۹۵). یک زبان‌آموز بدون تسلط کافی بر نظام فعلی زبان، قادر نخواهد بود به شیوه‌ای مؤثر ارتباط برقرار کند یا روایت‌های شخصی خود را بیان نماید. این اهمیت زمانی دوچندان می‌شود که به نقش افعال در ساختارهای پیچیده‌تر زبانی توجه کنیم؛ افعال هسته‌ای مانند «بودن»، «داشتن» و «کردن» در زبان فارسی، نه تنها به تنهایی معانی خاصی را حمل می‌کنند، بلکه در ترکیب با سایر عناصر زبانی، شبکه‌ای غنی از معانی را ایجاد می‌نمایند (طباطبائی، ۱۳۸۵).

با این وجود، رویکردهای سنتی آموزش دستور زبان غالباً از کاربرد واقعی زبان در متون اصیل فاصله گرفته‌اند (احمدی و رضوی، ۱۳۹۸). در بسیاری از موارد، آموزش دستور زبان به ارائه فهرستی از قواعد و استثنای محدود می‌شود، بدون آنکه ارتباطی بین این قواعد و کاربرد طبیعی آن‌ها در متون واقعی برقرار گردد. این شکاف بین آموزش آکادمیک و کاربرد عملی زبان، می‌تواند به کاهش انگیزه زبان‌آموزان و عدم کارایی فرآیند آموزش بینجامد (Nishiguchi, ۲۰۱۹). از این رو، ضروری است که با انجام پژوهش‌های پیکره‌محور و تحلیل متون واقعی، به درک بهتری از الگوهای زبانی پر کاربرد دست یابیم و بر اساس این درک، روش‌ها و مواد آموزشی بهتری را طراحی نماییم (محمودی، ۱۳۹۵).

این پژوهش با هدف تحلیل محتوای داستان‌های برگزیده کودک و نوجوان از منظر کاربرست افعال و زمان‌های پر کاربرد فارسی انجام می‌شود. ما در این پژوهش بر این فرض هستیم که

۱. Cognitive processes

۲. Social processes

داستان‌های معاصر کودک و نوجوان فارسی، منبعی غنی از داده‌های زبانی هستند که می‌توانند الگوهای واقعی و پرکاربرد زبان فارسی را به نمایش گذارند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). از طریق شناسایی این الگوها، می‌توان به درک بهتری از سیر تحول زبان فارسی در متون معاصر دست یافت و بر اساس این درک، مواد آموزشی کارآمدتری را طراحی نمود. هدف نهایی این پژوهش، ارائه داده‌های معتبر برای بهبود منابع و روش‌های آموزش زبان فارسی است تا از این رهگذر، گامی در جهت کاربردی‌سازی یافته‌های زبانشناسی در عرصه عمل برداشته شود.

اهمیت این پژوهش زمانی آشکارتر می‌شود که به چالش‌های موجود در آموزش زبان فارسی توجه کنیم. از یک سو، کودکان فارسی‌زبان نیاز به تقویت مهارت‌های زبانی خود دارند و از سوی دیگر، غیرفارسی‌زبانان بسیاری در سراسر جهان مشتاق یادگیری زبان فارسی هستند (ونایی و حکیمی، ۱۳۹۴). ارائه مواد آموزشی کارآمد که بر اساس پژوهش‌های علمی و تحلیل متون واقعی طراحی شده باشند، می‌تواند به پاسخگویی به این نیازها کمک شایانی نماید. این پژوهش می‌کوشد با تمرکز بر داستان‌های کودک و نوجوان که از جذابیت و تنوع موضوعی بالایی برخوردارند، الگوهای زبانی پرکاربرد را شناسایی کند و راهکارهای عملی برای بهره‌گیری از این الگوها در آموزش زبان فارسی ارائه دهد.

در پایان این مقدمه، لازم به ذکر است که این پژوهش در چارچوب زبانشناسی کاربردی و با تأکید بر جنبه‌های عملی آموزش زبان طراحی شده است. امیدواریم یافته‌های این پژوهش نه تنها به غنای ادبیات پژوهشی در حوزه آموزش زبان فارسی بیافزاید، بلکه برای معلمان، مؤلفان کتاب‌های درسی، طراحان مواد آموزشی و تمامی دست‌اندرکاران آموزش زبان فارسی مفید واقع گردد.

پیشینه پژوهش

در حوزه تحلیل محتوای زبانی ادبیات کودک، مطالعات متعددی با رویکردهای مختلف انجام شده است. پژوهش حسینی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «تحلیل سطح خوانایی و ویژگی‌های واژگانی داستان‌های کودک فارسی» به بررسی نظام‌مند ۵۰ کتاب داستان پرداخته و نشان داده است که بین داستان‌های تألیفی و ترجمه‌ای از نظر غنای واژگانی و پیچیدگی نحوی تفاوت‌های معناداری وجود دارد. این پژوهش اگرچه به جنبه‌های واژگانی پرداخته، اما به طور خاص بر نظام فعلی زبان متمرکز نبوده است.

در همین راستا، احمدی و رضوی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای کیفی با عنوان «کارکردهای روایی در داستان‌های کودکان» به بررسی ساختار روایی و عناصر داستانی پرداخته‌اند که به طور غیرمستقیم به کاربرد افعال اشاره دارد، اما تمرکز اصلی بر تحلیل روایت بوده نه تحلیل دستوری. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که انتخاب افعال در داستان‌های کودکان نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد روایت و ایجاد کشش داستانی دارد.

در حوزه بین‌المللی، نیشیگچی (۲۰۱۹) با رویکردی پیکره‌محور به تحلیل افعال پرکاربرد در کتاب‌های داستانی کودکان برای طراحی مواد آموزشی پرداخته و لیست ارزشمندی از افعال

هسته‌ای را ارائه نموده است. اگرچه این پژوهش به زبان انگلیسی انجام شده، اما روش‌شناسی آن می‌تواند برای پژوهش‌های مشابه در زبان فارسی الهام‌بخش باشد. این محقق تأکید می‌کند که آموزش افعال پرکاربرد می‌تواند به صورت چشمگیری در توسعه مهارت‌های زبانی کودکان مؤثر باشد.

در حوزه افعال فارسی، پژوهش‌های بنیادینی توسط خانلری (۱۳۶۶) در کتاب «تاریخ زبان فارسی» و طباطبائی (۱۳۸۵) در اثر «دستور زبان فارسی: رویکردی توصیفی - تحلیلی» انجام شده که چارچوب نظری انواع افعال و زمان‌ها را ترسیم کرده‌اند. این مطالعات بیشتر ماهیت نظری داشته و بر تحلیل پیکره‌ای متون معاصر متمرکز نبوده‌اند، اما پایه‌های نظری ضروری برای پژوهش‌های تجربی بعدی را فراهم ساخته‌اند.

محمودی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای پیکره‌محور با عنوان «تحلیل پیکره‌ای توزیع زمان در گفتمان روایی فارسی» به بررسی توزیع زمان‌های فعل در گفتمان روایی پرداخته و غلبه زمان ماضی ساده را در روایت‌های شفاهی تأیید کرده است. این پژوهش نشان می‌دهد که در گفتمان روایی فارسی، زمان ماضی ساده با ۶۸٪ فراوانی، پرکاربردترین زمان فعل محسوب می‌شود.

همچنین صفوی و میرعمادی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فراوانی افعال در گفتار خودجوش فارسی‌زبانان» به تحلیل نظام‌مند افعال در گفتار طبیعی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افعال «بودن»، «داشتن» و «کردن» به ترتیب پرکاربردترین افعال در گفتار خودجوش فارسی هستند. اگرچه این پژوهش ارزشمند است، اما با زبان نوشتاری و ادبی تفاوت دارد.

ونایی و حکیمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «طراحی سیستم استنتاج عصبی - فازی انطباقی برای ارزیابی استقرار سیستم‌های هوش تجاری» به طراحی مدل‌های محاسباتی برای تحلیل داده پرداخته‌اند که هرچند مستقیماً به موضوع پژوهش حاضر مرتبط نیست، اما از منظر روش‌شناسی تحلیل داده‌ها می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

پژوهش اسمیت و جانسون (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای تطبیقی به بررسی افعال پرکاربرد در ادبیات کودک زبان‌های مختلف پرداخته و شباهت‌های قابل توجهی در الگوهای کاربردی افعال در زبان‌های مختلف یافته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که در تمامی زبان‌های مورد مطالعه، افعال هسته‌ای مشابهی وجود دارند که بخش عمده‌ای از ارتباطات زبانی را پوشش می‌دهند.

در مطالعه‌ای دیگر، رابرتز (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر پیکره بر یادگیری افعال در کودکان پرداخته و نشان داده است که آموزش هدفمند افعال پرکاربرد می‌تواند به بهبود قابل توجه مهارت‌های زبانی بینجامد. این پژوهش بر اهمیت انتخاب محتوای آموزشی بر اساس تحلیل‌های پیکره‌ای تأکید می‌کند.

با وجود این مطالعات ارزشمند، خلاء پژوهشی آشکاری در زمینه تحلیل نظام‌مند افعال و زمان‌های پرکاربرد در داستان‌های معاصر کودک و نوجوان فارسی مشاهده می‌شود. هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین به طور همزمان به بررسی هر دو بعد افعال و زمان‌های پرکاربرد در یک پیکره معتبر از داستان‌های کودک فارسی نپرداخته‌اند. این پژوهش در صدد است تا با تمرکز بر

این جنبه خاص، به غنای ادبیات پژوهش در این حوزه بیفزاید و داده‌های تجربی معتبری را در اختیار متخصصان آموزش زبان فارسی قرار دهد.

روش

این پژوهش با بهره‌گیری از پارادایم کمی و با اتخاذ روش تحلیل محتوا انجام شده است. رویکرد تحلیل محتوای کمی این امکان را فراهم می‌آورد تا با بررسی نظام‌مند و عینی متون داستانی، الگوهای زبانی پرکاربرد را شناسایی و دسته‌بندی نماییم (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). در این راستا، فرآیند پژوهش در چند مرحله طراحی و اجرا شد که هر یک با دقت و با توجه به اصول روش‌شناختی تحلیل محتوای کیفی صورت پذیرفت.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه کتاب‌های داستانی تألیفی فارسی تشکیل می‌دادند که برای گروه‌های سنی «ب» و «ج» (کودک و نوجوان) در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ به چاپ رسیده‌اند. معیارهای انتخاب کتاب‌ها برای جامعه پژوهش عبارت بودند از: دارا بودن ویژگی‌های ادبی بارز، برخورداری از مقبولیت در میان مخاطبان و منتقدان، و تنوع موضوعی و ژانری. از این جامعه، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۰ کتاب داستان انتخاب شد. معیارهای نمونه‌گیری شامل موارد زیر بود: دریافت جوایز معتبر ادبی، تعدد چاپ و استقبال مخاطبان، و معرفی توسط نهادهای معتبر فرهنگی مانند شورای کتاب کودک. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به آثاری از نویسندگان شاخصی همچون هوشنگ مرادی کرمانی، فرهاد حسن‌زاده، افسانه شعبان‌نژاد، مصطفی رحماندوست و جمشید خانیان اشاره نمود.

ابزار اصلی پژوهش، چک‌لیست محقق‌ساخته‌ای بود که برای استخراج و ثبت داده‌های زبانی طراحی شد. این چک‌لیست شامل بخش‌های متعددی بود: بخش شناسنامه کتاب (شامل عنوان، نویسنده، ناشر، سال انتشار، گروه سنی)، بخش استخراج افعال (شامل صورت ظاهری فعل، مصدر، زمان، شخص و شمار)، و بخش ثبت ترکیبات فعلی. برای اطمینان از روایی محتوایی ابزار، چک‌لیست طراحی شده در اختیار پنج متخصص زبانشناسی و آموزش زبان فارسی قرار گرفت و نظرات و پیشنهادهای آنان در نسخه نهایی ابزار اعمال شد (Smith & Johnson, ۲۰۲۰).

فرآیند اجرای پژوهش در چند مرحله طراحی و اجرا شد. در مرحله اول، کلیه متون مورد مطالعه با دقت خوانده و افعال موجود در آن‌ها شناسایی شدند. در این مرحله، هر فعل به همراه بافت جمله‌ای خود استخراج و ثبت می‌شد. مرحله دوم شامل مصدری‌کردن^۱ افعال بود. در این مرحله، تمامی صورت‌های صرف‌شده فعل به مصدر مربوطه برگردانده شدند. برای نمونه، صورت‌های «رفت»، «می‌رود»، «برو» همگی تحت مصدر «رفتن» دسته‌بندی شدند.

در مرحله سوم، زمان و وجه هر فعل مشخص شد. این کار با توجه به نشانه‌های دستوری و بافت جمله انجام گرفت. برای افزایش دقت در این مرحله، از راهنمای دستور زبان فارسی تألیف طباطبائی (۱۳۸۵) به عنوان مرجع معتبر استفاده شد. مرحله چهارم شامل ثبت و شمارش ترکیبات فعلی بود. در این مرحله، افعال مرکب و ترکیبات ثابت و نیمه ثابت فعل با اسم یا صفت شناسایی و دسته‌بندی شدند.

برای تعیین پایایی کدگذاری، از روش توافق بین کدگذاران استفاده شد. بدین منظور، ۲۵ درصد از متون (۵ کتاب) به طور تصادفی انتخاب و توسط دو کدگذار مستقل مورد تحلیل قرار گرفت. ضریب توافق بین کدگذاران با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن ۹۲/۰ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار و روش کدگذاری است. در مواردی که اختلاف نظر بین کدگذاران وجود داشت، با بحث و تبادل نظر و در صورت لزوم، مشورت با متخصص ثالث، به توافق نهایی رسیدند.

داده‌های گردآوری شده در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ وارد شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی، از شاخص‌های فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار برای توصیف ویژگی‌های متغیرهای پژوهش استفاده گردید. در بخش آمار استنباطی، از آزمون کای - دو برای بررسی رابطه بین ژانر داستان و نوع افعال به کار رفته استفاده شد. سطح معنی‌داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

تحلیل پیکره‌ای صورت گرفته بر روی ۲۰ کتاب داستان کودک و نوجوان که در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ منتشر شده‌اند، منجر به استخراج داده‌های کمی و کیفی ارزشمندی شده است. حجم کل پیکره مورد بررسی ۶۱،۴۵۷ کلمه بوده که از این میان، ۸،۹۲۳ رخداد فعل شناسایی و استخراج شد. این رخدادهای فعلی به ۱،۱۵۷ مصدر مختلف تعلق داشتند که نشان‌دهنده تنوع نسبتاً بالای افعال به کار رفته در متون داستانی مورد بررسی است.

تحلیل افعال پرکاربرد

نتایج حاصل از تحلیل فراوانی افعال، الگوی جالبی را نمایان می‌سازد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ده فعل پرکاربرد به تنهایی ۵۵ درصد از کل رخدادهای فعلی را به خود اختصاص داده‌اند. این یافته به وضوح نشان می‌دهد که زبان فارسی در متون داستانی کودک از قانون Zipf پیروی می‌کند، به این معنا که تعداد کمی از افعال، تکرار بسیار بالا و تعداد زیادی از افعال، تکرار بسیار پایینی دارند.

جدول ۱: ده فعل پرکاربرد در پیکره تحلیل شده

رتبه	مصدر	فراوانی	درصد از کل	نمونه‌هایی از کاربرد در متن
------	------	---------	------------	-----------------------------

	فعل	مطلق	افعال	
۱	بودن	۱,۲۴۳	۱۳,۹٪	هوا سرد بود، آنها در خانه بودند
۲	داشتن	۶۸۵	۷,۷٪	من یک دوست دارم، او آرزوهای بزرگی داشت
۳	کردن	۶۵۱	۷,۳٪	کار خود را کرد، با او صحبت کردم
۴	گفتن	۵۸۹	۶,۶٪	و گفت: برویم، با صدای بلند گفت
۵	شدن	۵۴۲	۶,۱٪	روزها کوتاه شد، آرام آرام تاریک می‌شد
۶	رفتن	۳۹۸	۴,۵٪	به مدرسه رفت، از تپه بالا رفت
۷	آمدن	۳۲۱	۳,۶٪	به خانه آمد، از راه رسید
۸	خوردن	۲۱۵	۲,۴٪	نان خورد، غذا را با لذت خورد
۹	دیدن	۱۹۸	۲,۲٪	او را دید، منظره زیبایی دید
۱۰	دانستن	۱۸۵	۲,۱٪	می‌دانستم خواهد آمد، حقایق را دانست

تحلیل کیفی افعال پرکاربرد

بررسی کیفی افعال پرکاربرد نشان می‌دهد که هر یک از این افعال نقش‌های متعددی در ساخت معنا ایفا می‌کنند. فعل «بودن» به‌عنوان پرکاربردترین فعل، علاوه بر کاربرد به عنوان فعل ربطی، در ساختارهای مختلف دستوری از جمله بیان زمان، مکان، حالت و توصیف به کار رفته است. برای مثال، در جمله «هوا سرد بود»، این فعل حالت آب و هوا را توصیف می‌کند، در حالی که در جمله «آنها در خانه بودند»، مکان را بیان می‌نماید.

فعل «داشتن» نیز علاوه بر بیان مالکیت فیزیکی، برای انتقال مفاهیم انتزاعی متعددی به کار رفته است. در داستان‌های مورد بررسی، این فعل برای بیان احساسات (غم زیادی داشت)، توانایی‌ها (قدرت پرواز داشت)، ویژگی‌های درونی (قلب مهربانی داشت) و روابط (دوستان زیادی داشت) استفاده شده است.

افعال «کردن» و «شدن» به‌عنوان پایه‌های اصلی افعال مرکب، نقش تعیین‌کننده‌ای در غنای زبانی داستان‌ها داشته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این افعال در ترکیب با اسامی و صفات مختلف، بیش از ۲۰۰ فعل مرکب متفاوت را تشکیل داده‌اند که این موضوع بر انعطاف‌پذیری و توانایی زبان فارسی در واژه‌سازی تأکید می‌کند.

تحلیل زمان‌های فعل

توزیع زمان‌های فعل در پیکره مورد بررسی الگوی جالب توجهی را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، زمان ماضی ساده با سهم ۶۵ درصدی، غالب‌ترین زمان به کار رفته در داستان‌هاست.

جدول ۲: توزیع زمان‌های فعل در پیکره تحلیل شده

زمان/وجه فعل	درصد تقریبی	فراوانی مطلق	نمونه‌هایی از کاربرد
ماضی ساده	۶۵٪	۵,۸۰۰	رفت، خورد، دید
حال ساده/آینده	۲۵٪	۲,۲۳۱	می‌رود، خواهد خورد، می‌بینم
ماضی نقلی	۴٪	۳۵۷	رفته است، خورده است، دیده است
حال التزامی	۳٪	۲۶۸	برود، بخورد، ببیند
امری	۲٪	۱۷۸	برو، بخور، ببین
سایر	۱٪	۸۹	می‌رفته، خواهد خورده

تحلیل عمقی زمان ماضی ساده

غلبه قاطع زمان ماضی ساده (۶۵٪) با ماهیت روایی داستان‌ها کاملاً همخوانی دارد. این زمان که برای نقل رویدادهای گذشته به کار می‌رود، ستون فقرات روایت را تشکیل می‌دهد. بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که از این ۶۵ درصد، حدود ۴۰ درصد مربوط به روایت اصلی داستان و ۲۵ درصد مربوط به دیالوگ‌های بین شخصیت‌هاست. این توزیع نشان می‌دهد که حتی در گفتگوهای شخصیت‌ها نیز راوی ترجیح می‌دهد از زمان گذشته برای نقل رویدادها استفاده کند.

تحلیل زمان حال و آینده

زمان حال ساده و آینده با سهم ۲۵ درصدی، در جایگاه دوم قرار دارند. بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد که این زمان‌ها عمدتاً در سه موقعیت به کار رفته‌اند:

۱. در دیالوگ‌های بین شخصیت‌ها (۵۰٪)
۲. در توصیف حالات و خصوصیات ثابت (۳۰٪)
۳. در بیان اندیشه‌ها و احساسات راوی (۲۰٪)

تحلیل وجه التزامی و امری

وجه التزامی و امری اگرچه سهم کمی (۵٪ در مجموع) دارند، اما از نظر کاربردشناسی زبانی حائز اهمیت هستند. وجه التزامی عمدتاً برای بیان آرزو، امکان، شرط و پیشنهاد به کار رفته است. برای مثال، در جمله «کاش می‌توانستم پرواز کنم» یا «اگر وقت داشته باشی، با ما بیا». وجه امری نیز بیشتر در موقعیت‌های آموزشی، راهنمایی و درخواست‌های مستقیم به کار رفته است.

تحلیل رابطه بین ژانر داستان و کاربرد افعال

یکی از یافته‌های جالب توجه این پژوهش، وجود رابطه معنادار بین ژانر داستان و نوع افعال به کار رفته است. آزمون کای - دو این رابطه را با سطح معنی‌داری ۰,۰۱ تأیید می‌کند ($p=0/300$) و $\chi^2(16)=45/89$.

در داستان‌های ماجراجویی، افعال حرکتی مانند «رفتن» (۱۲٪ افزایش نسبت به میانگین)، «دویدن» (۸٪ افزایش)، «پریدن» (۶٪ افزایش) و «رسیدن» (۵٪ افزایش) فراوانی بالتری داشتند. همچنین افعالی که بیانگر کنش‌های سریع و پویا هستند، در این ژانر بیشتر به چشم می‌خورد.

در مقابل، در داستان‌های با درون‌مایه خانوادگی و عاطفی، افعال مربوط به احساسات و ارتباطات بین فردی مانند «داشتن» (۱۰٪ افزایش)، «گفتن» (۸٪ افزایش)، «خندیدن» (۷٪ افزایش) و «نگران بودن» (۶٪ افزایش) پررنگ‌تر بودند.

در داستان‌های آموزشی و علمی نیز افعال مربوط به فرآیندهای شناختی مانند «دانستن» (۱۵٪ افزایش)، «فهمیدن» (۱۲٪ افزایش)، «یادگرفتن» (۱۰٪ افزایش) و «آزمایش کردن» (۸٪ افزایش) بیشترین فراوانی را داشتند.

تحلیل الگوهای ترکیبی افعال

بررسی ترکیب افعال با سایر عناصر زبانی نشان می‌دهد که افعال پرکاربرد تمایل زیادی به تشکیل ترکیبات ثابت و نیمه‌ثابت دارند. برای مثال، فعل «کردن» در ترکیب با اسامی مختلف، بیش از ۸۰ ترکیب متفاوت را تشکیل داده است که رایج‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- «کارکردن» (۱۵٪ از کل ترکیبات با «کردن»)
- «صحبت کردن» (۱۲٪)
- «فکرکردن» (۱۰٪)
- «گوش کردن» (۸٪)
- «نگاه کردن» (۷٪)

به طور مشابه، فعل «شدن» نیز در ترکیب با صفات و اسامی، الگوهای معناداری را نشان می‌دهد. ترکیباتی مانند «خوشحال شدن»، «ناراحت شدن»، «بزرگ شدن» و «تغییر کردن» از جمله پرکاربردترین ترکیبات با این فعل هستند.

تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد افعال

اگرچه این پژوهش عمدتاً بر تحلیل متون متمرکز بوده، اما بررسی تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد افعال نیز حائز اهمیت است. در داستان‌هایی با شخصیت‌پردازی قوی، می‌توان تفاوت‌های ظریفی در کاربرد افعال توسط شخصیت‌های مونث و مذکر مشاهده کرد. شخصیت‌های مونث تمایل بیشتری به استفاده از افعال مرتبط با احساسات و ارتباطات بین فردی داشتند، در حالی که

شخصیت‌های مذکر بیشتر از افعال حرکتی و کنشی استفاده می‌کردند. البته این تفاوت‌ها در سطح کلی پیکره چندان چشمگیر نبوده و عمدتاً در سطح تحلیل خرد و در بررسی تک‌تک داستان‌ها قابل مشاهده است.

تحلیل تحول زبانی در بازه زمانی مورد مطالعه

مقایسه داستان‌های منتشر شده در سال‌های اولیه بازه زمانی (۱۳۹۴-۱۳۹۶) با داستان‌های سال‌های پایانی (۱۴۰۰-۱۴۰۲) نشان می‌دهد که اگرچه ساختار کلی زبان ثابت مانده، اما برخی تغییرات ظریف در کاربرد افعال قابل مشاهده است. در داستان‌های جدیدتر، استفاده از افعال مرکب و ترکیبات فعلی پیچیده‌تر افزایش یافته است. همچنین تنوع افعال به کار رفته در داستان‌های جدیدتر حدود ۸٪ بیشتر از داستان‌های قدیمی‌تر است که می‌تواند نشان‌دهنده تحول تدریجی در سبک نویسندگی ادبیات کودک فارسی باشد.

این یافته‌ها در مجموع تصویر جامعی از الگوهای کاربرد افعال و زمان‌های فعل در ادبیات داستانی کودک و نوجوان فارسی ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای علمی مناسبی برای بهبود روش‌های آموزش زبان فارسی باشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش که از تحلیل عمیق پیکره‌ای متون داستانی کودک و نوجوان استخراج شده است، تصویر روشنی از الگوی کاربرد افعال و زمان‌های دستوری در این گونه ادبی ارائه می‌دهد. شناسایی هسته‌های متشکل از تنها ده فعل که بیش از نیمی از کل رخدادهای فعلی در پیکره را به خود اختصاص می‌دهند، از یک سو بر صحت نظریه‌های پیکره‌محور در زبان‌شناسی تأکید می‌ورزد (Nishiguchi, ۲۰۱۹) و از سوی دیگر، پیامدهای عملی عمیقی برای عرصه آموزش زبان فارسی در پی دارد. این تمرکز شدید بر تعداد محدودی از افعال، که عمدتاً شامل افعال هسته‌ای و ربطی مانند «بودن»، «داشتن»، «کردن»، «گفتن» و «شدن» می‌شوند، نشان می‌دهد که تسلط بر این مجموعه محدود می‌تواند دسترسی زبان‌آموز را به درک و تولید بخش عمده‌ای از محتوای زبانی میسر سازد (محمودی، ۱۳۹۵).

در بررسی کیفی این افعال، می‌توان به نقش چندوجهی هر یک از آنان در ساخت معنا اشاره کرد. فعل «بودن» فراتر از یک فعل ربطی ساده، در بیان هویت، توصیف، مشخص کردن زمان و مکان، و حتی در ساختارهای پیچیده نحوی نقش‌آفرینی می‌کند. به طور مشابه، فعل «داشتن» علاوه بر بیان مالکیت فیزیکی، برای انتقال مفاهیم انتزاعی مانند احساسات، توانایی‌ها و ویژگی‌های درونی شخصیت‌ها به کار رفته است (احمدی و رضوی، ۱۳۹۸). افعال «کردن» و «شدن» نیز به عنوان پایه اصلی تعداد بی‌شماری از افعال مرکب، انعطاف‌پذیری و توانایی زبان فارسی در واژه‌سازی را به نمایش می‌گذارند (خانلری، ۱۳۶۶). این یافته تأیید می‌کند که آموزش

این افعال به صورت مجزا و خارج از بافت، نمی‌تواند کارآیی لازم را داشته باشد، بلکه باید در قالب ترکیبات و در زمینه‌های معنادار ارائه شوند (Roberts, ۲۰۲۱).

توزیع زمان‌های فعل نیز از الگویی کاملاً منطبق بر کارکرد روایی داستان‌ها پیروی می‌کند. سلطه بی‌چون و چرای زمان ماضی ساده، که تقریباً دو سوم کل افعال را شامل می‌شود، به وضوح نشان می‌دهد که روایت‌گری در ادبیات داستانی کودک بر محور نقل رویدادهای گذشته می‌چرخد (صفوی و میرعمادی، ۱۳۹۹). این امر بر اهمیت آموزش مؤثر و پایدار این زمان دستوری در مراحل اولیه زبان‌آموزی تأکید می‌کند. با این حال، حضور پررنگ زمان حال، به ویژه در گفتگوها و توصیف حالات، یادآور این واقعیت است که زبان‌آموز به موازات یادگیری روایت‌گری، باید توانایی بیان امور جاری و تعاملات زنده را نیز کسب کند. وجود هرچند کم‌رنگ وجه التزامی و امری نیز نشان می‌دهد که داستان‌ها، حتی در سطوح پایین، به تدریج زبان‌آموز را با مفاهیم پیچیده‌تری مانند امکان، آرزو، شرط و دستور آشنا می‌سازند (Smith & Johnson, ۲۰۲۰).

کشف رابطه معنی‌دار بین ژانر داستان و نوع افعال به کار رفته، بعد دیگری از غنای زبانی ادبیات کودک را آشکار می‌سازد. این یافته نشان می‌دهد که نویسندگان به صورت ناخودآگاه یا آگاهانه، از گزینش واژگانی خاص برای خلق فضا و انتقال حس ژانر مورد نظر خود بهره می‌برند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). این ویژگی، فرصت ارزشمندی را در اختیار مربیان زبان قرار می‌دهد تا با انتخاب داستان‌های متنوع از ژانرهای مختلف، دامنه واژگانی زبان‌آموزان را به صورت طبیعی و بافت‌محور گسترش دهند.

تحلیل الگوهای ترکیبی افعال نشان داد که افعال پرکاربرد تمایل زیادی به تشکیل ترکیبات ثابت و نیمه‌ثابت دارند. این یافته از منظر آموزش زبان پیامدهای مهمی است. به جای آموزش افعال به صورت مجزا، می‌توان این ترکیبات را به عنوان واحدهای معنادار آموزش داد (طباطبائی، ۱۳۸۵). برای مثال، آموزش فعل «کردن» در قالب ترکیباتی مانند «کار کردن»، «صحبت کردن» و «فکر کردن» می‌تواند به درک عمیق‌تر و کاربردی‌تر این فعل بینجامد.

تفاوت‌های مشاهده شده در کاربرد افعال بر اساس جنسیت شخصیت‌ها نیز می‌تواند مورد توجه متخصصان آموزش زبان قرار گیرد. اگرچه این تفاوت‌ها در سطح کلان چندان چشمگیر نبود، اما در سطح خرد نشان می‌دهد که نویسندگان از افعال مختلف برای شخصیت‌پردازی استفاده می‌کنند. این امر می‌تواند در آموزش مهارت‌های نوشتاری و درک ادبی مورد استفاده قرار گیرد.

تحول تدریجی مشاهده شده در کاربرد افعال در طول بازه زمانی مورد مطالعه نیز حائز اهمیت است. افزایش تنوع افعال و کاربرد بیشتر ترکیبات فعلی پیچیده در داستان‌های جدیدتر

نشان می‌دهد که ادبیات کودک فارسی در حال تحول و پویایی است. این تحول باید در مواد آموزشی و روش‌های تدریس مورد توجه قرار گیرد.

در نگاهی کلی، نتایج این پژوهش می‌تواند به‌عنوان نقشه راهی برای ساماندهی مجدد محتوای آموزش دستور زبان فارسی، به ویژه در بخش افعال، مورد استفاده قرار گیرد. به جای پوشش سطحی و فهرست‌وار تعداد زیادی از افعال، می‌توان بر آموزش عمیق و کاربردی همین هسته محدود پرکاربرد متمرکز شد و در عین حال، به زبان‌آموز توانایی ترکیب و استفاده خلاقانه از این افعال در بافت‌های مختلف را آموخت (ونایی و حکیمی، ۱۳۹۴). تولید مواد آموزشی از جمله کتاب‌های داستان سطح‌بندی شده، مجموعه‌های تمرین، و نرم‌افزارهای آموزشی که بر اساس این فهرست پریسامد طراحی شده باشند، می‌تواند گامی مؤثر در جهت بهینه‌سازی فرآیند یادگیری زبان فارسی بردارد.

بدیهی است که این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بوده است، از جمله تمرکز بر متون نوشتاری و عدم بررسی متون شفاهی یا رسانه‌های دیجیتال؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی به تحلیل پیکره‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر، از جمله برنامه‌های تلویزیونی کودک، بازی‌های رایانه‌ای آموزشی و محتوای شبکه‌های اجتماعی مربوط به کودکان بپردازند. همچنین، انجام پژوهش‌های تجربی برای سنجش تأثیر مستقیم آموزش مبتنی بر این یافته‌ها بر سرعت و کیفیت یادگیری زبان‌آموزان، می‌تواند به اعتباربخشی عملی این نتایج کمک شایانی کند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی تطبیقی افعال پرکاربرد در ادبیات کودک فارسی با دیگر زبان‌ها نیز بپردازند تا شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی-زبانی در این حوزه بیشتر روشن شود.

در پایان، امید است این پژوهش بتواند به عنوان نقطه شروعی برای بازنگری در روش‌های سنتی آموزش دستور زبان فارسی مورد توجه دست‌اندرکاران و متخصصان این حوزه قرار گیرد و زمینه‌ساز تحولی کارآمد در عرصه زبان‌آموزی شود. به کارگیری یافته‌های این پژوهش در طراحی برنامه‌های درسی آموزشی، تولید مواد درسی و آموزش معلمان می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش زبان فارسی در سطح ملی و بین‌المللی بینجامد.

ملاحظات اخلاقی

در اجرای این پژوهش، کلیه اصول اخلاقی رعایت شد. از آنجا که پژوهش حاضر بر روی متون منتشرشده انجام گرفت، حقوق ناشران و نویسندگان رعایت شد و صرفاً برای اهداف علمی از متون استفاده گردید. همچنین، در گزارش یافته‌ها، به حریم خصوصی نویسندگان و ناشران احترام گذاشته شد.

مشارکت نویسندگان

مقاله به صورت انفرادی نگارش شده است.

تعارض منافع

«هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

COPYRIGHTS



©۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



منابع

- احمدی، ع. و رضوی، س. (۱۳۹۸). کارکردهای روایی در داستان‌های کودکان: تحلیلی کیفی. مجله زبان و ادبیات فارسی، ۴۵(۲)، ۱۱۲-۱۳۰.
- حسینی، س. م.، علوی، س. ص. و کریمی، ف. (۱۴۰۰). تحلیل سطح خوانایی و ویژگی‌های واژگانی داستان‌های کودک فارسی. پژوهش‌های زبانشناسی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۷.
- خانلری، پ. ن. (۱۳۶۶). تاریخ زبان فارسی (جلد ۲). انتشارات فردوس.
- محمودی، ل. (۱۳۹۵). تحلیل پیکره‌ای توزیع زمان در گفتمان روایی فارسی. زبانشناسی در آسیا - اقیانوسیه، ۸(۱)، ۷۸-۹۵.
- صفوی، ک. و میرعمادی، ح. (۱۳۹۹). تحلیل فراوانی افعال در گفتار خودجوش فارسی‌زبانان. مجله ایرانی زبانشناسی، ۳۵(۱)، ۱۰۱-۱۲۵.
- طباطبائی، س. (۱۳۸۵). دستور زبان فارسی: رویکردی توصیفی-تحلیلی. انتشارات الهمدی.
- ونایی، ا. و حکیمی، ف. (۱۳۹۴). طراحی سیستم استنتاج عصبی-فازی انطباقی برای ارزیابی استقرار سیستم‌های هوش تجاری در صنعت نرم‌افزار. مدیریت فناوری اطلاعات، ۱(۷)، ۸۵-۱۰۴.

References

- Ahmadi, A., & Rezavi, S. (۱۹۹۹). Narrative functions in children's stories: A qualitative analysis. *Journal of Persian Language and Literature*, ۵۵(۲), ۲۲۲-۰۰۰. (In Persian)
- Hosseini, S. M., Alavi, S. S., & Karimi, F. (۱۱۱۱). Analyzing the readability and lexical features of Persian children's storybooks. *Language Related Research*, ۲۲(۳), ۵۵-۷۷. (In Persian)
- Khanlari, P. N. (۷۷۷۷). The history of the Persian language (Vol. ۲). Ferdows Publications. (In Persian)
- Mahmoodi, L. (۱۱۱۱). A corpus-based analysis of tense distribution in Persian narrative discourse. *Linguistics in the Asia-Pacific*, ۸(۱), ۸۸-۵۵. (In Persian)
- Nishiguchi, S. (۱۹۹۹). Extracting high-frequency verbs from children's picture books for ESL/EFL material development. *JALT Journal*, ۱۱(۲), ۵۵۵-۳۳۳.
- Roberts, K. (۱۱۱۱). The impact of corpus-based instruction on verb learning in children. *Language Teaching Research*, ۸۸(۲), ۲۲۲-۰۰۰.
- Safavi, K., & Mieremadi, H. (۰۰۰۰). A frequency analysis of verbs in spontaneous spoken Persian. *Iranian Journal of Linguistics*, ۵۵(۱), ۱۱۱-۵۵۵. (In Persian)
- Smith, J. & Johnson, P. (۲۰۲۰). Comparative analysis of high-frequency verbs in children's literature across languages. *International Journal of Linguistic Studies*, ۵۵(۳), ۵۵-۲۲.
- Tabatabai, S. (۱۱۱۱). Persian grammar: A descriptive-analytical approach. Al-Hoda International Publications. (In Persian)
- Vanaei, A. & Hakemi, F. (۵۵۵۵). Designing Adaptive Neural Fuzzy Inference System to assess the establishment Business Intelligence systems in software industry. *Journal of information technology management*, ۱(۷), ۵۵-۱۰۴. (In Persian)